

پیوست و تکملاً مقاله

«نکاتی در باب ساختار و نسبت

دو کتاب المُلَخَّص و الذَّخِيرَة

شریف مرتضیٰ

نقد و بررسی کتاب

دکتر حمید عطائی نظری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



۱. تذکار و توضیح

پیش از چاپ مقاله‌ای که زیر عنوان «نکاتی در باب ساختار و نسبت دو کتاب المُلَخَّص و الذَّخِيرَة شریف مرتضیٰ» در معرض دید و داوری خوانندگان قرار گرفت، اینجانب نسخه‌ای از آن را در اختیار استاد دانشمند آقای دکتر حسن انصاری قرار دادم تا درباره آن اظهار نظر کنند. از آنجا که ایشان رأی دیگری در خصوص برخی مطالب و موضوعات مطرح در آن مقاله داشتند، یادداشتی در صفحه بررسی‌های تاریخی سایت کاتبان، زیر عنوان «کتاب التعلیق مفری نیشابوری در کلام و بحثی درباره المُلَخَّص و الذَّخِيرَة تألیف شریف مرتضیٰ» نگاشتند و نظر خود را در خصوص موضوعات مورد بحث ابراز نمودند. با توجه به ارتباط وثیقی که مطالب بیان شده در آن یادداشت با مقاله بنده داشت، با کسب اجازه از ایشان، آن یادداشت کاتبانی در صفحه پیش به طور کامل نقل گردید تا خوانندگان از نظر آن استاد محترم و همچنین برخی فواید مورد اشاره ایشان که در نوشتار بنده بدان‌ها اشاره نشده است بهره‌مند شوند. در اینجا هم موارد مورد اختلاف میان نظر ایشان و عقیده راقم این سطور در خصوص مسأله یاد شده بیان می‌شود و چند ملاحظه دیگر در باب این موضوع به محضر خوانندگان تقدیم می‌گردد با این امید که جستار حاضر زوایای گونه‌گون مسأله را بیشتر روشن نماید.

چکیده: نویسنده در نوشتار زیر، نقطه نظرات دکتر حسن انصاری را در خصوص مقاله خود تحت عنوان «نکاتی در باب ساختار و نسبت دو کتاب المُلَخَّص و الذَّخِيرَة شریف مرتضیٰ» ارائه می‌دهد. دکتر انصاری پیرامون برخی مطالب و موضوعات مطرح در آن مقاله، یادداشتی در صفحه بررسی‌های تاریخی سایت کاتبان، نگاشته بودند. نویسنده نوشتار مذکور، برخی فواید مورد اشاره دکتر انصاری را که در مقاله خود بدان‌ها اشاره نکرده است نقل می‌کند. همچنین اهم موارد مورد اختلاف میان نظر دکتر انصاری و خود را در خصوص مسأله یاد شده و نیز چندین ملاحظه دیگر، بیان می‌دارد. کلیدواژه‌ها: کتاب المُلَخَّص، کتاب الذَّخِيرَة، شریف مرتضیٰ علم الهدی، علم کلام.

۲. مقایسه و سنجش

چنان‌که ملاحظه فرمودید دیدگاه جناب دکتر انصاری با آنچه راقم این سطور در مقاله بیان کرده‌ام مشترکاتی و در عین حال تفاوت‌هایی دارد. برای روشن‌تر شدن این اختلافات بیان نکات زیر ضروری می‌نماید:

۱. طبق نظر آقای دکتر انصاری بخش‌های اولیه کتاب الذخیره که عمدتاً به ابواب توحید و عدل (و نیز بحثی درباره «نظر») مربوط می‌شده، از سوی شریف مرتضی تألیف شده بوده ولی پسان‌تر با جایگزینی الملخص (که مباحث توحید و عدل را به تفصیل دارا بوده)، آن بخش‌های نخستین الذخیره توسط شریف مرتضی یا به درخواست وی حذف شده است. دلایل دکتر انصاری بر این فرضیه آن است که:

اولاً: از آنجا که رسم معمول در تألیف آثار کلامی، آغاز املاء کتب از ابتدای مباحث کلامی، یعنی بحث توحید بوده است، به طور حتم شریف مرتضی می‌بایست املاء الذخیره را نیز با بحث توحید شروع کرده باشد و این امر قابل تردید نیست و نیاز به دلیل خاصی هم ندارد.

ثانیاً: شریف مرتضی در خلال مباحث الذخیره به این نکته اشاره کرده که برخی از مباحث مربوط به توحید و عدل را در این کتاب بیان کرده است، بنابراین الذخیره لزوماً در اصل، حاوی بخش‌هایی در توحید و عدل نیز بوده است، گویانکه این مباحث بعداً در نسخه ترکیبی شریف مرتضی از الملخص و الذخیره (یعنی نسخه‌ای که در آن الملخص به آغاز الذخیره افزوده شده بوده) حذف شده است.

این بنده را البته در این موضوع نظری دیگر است. به گمانم احتمالاً شریف مرتضی مباحث توحید و عدل را با توجه به اینکه همزمان در حال تقریر مفصل همان مباحث در الملخص بوده، دیگر در آن مقطع در الذخیره مطرح نکرده بوده - (شاید به این قصد که پس از اتمام سایر مباحث در الذخیره، بعدها تحریر مجملی هم از مباحث توحیدی و عدلی به آن کتاب اضافه کند که البته این امر پسان‌تر به سبب اضافه شدن الملخص به آغاز الذخیره عملاً بی‌فایده تلقی شده و از اصل منتفی گشته است و بنابراین شریف مرتضی بر حسب ظاهر هیچ‌گاه برای الذخیره به طور جداگانه مباحثی در باب توحید ننوشته بوده است) - ، بلکه الذخیره را از مباحث «معارف و نظر» شروع کرده بوده است.

دلیل - یا دست کم شاهد - بر این ادعا آن است که شیخ طوسی، چنان‌که در مقاله عین کلام وی نقل شد، تصریح نموده که شریف مرتضی الذخیره را با بحث «نظر» آغاز کرده است. بنابراین روشن است که آغاز الذخیره در اصل با بحث «معارف و نظر» بوده و نه با بحث توحید و عدل. گویانکه بعدها با اضافه شدن ابوابی به آغاز الذخیره (یعنی همان ابوابی که شریف مرتضی پس از پایان الملخص، ضمیمه

آن کرده تا در ابتدای الذخیره قرار گیرد)، مبحث «معارف و نظر» اندکی متأخرتر از ابتدای الذخیره (یعنی در ص ۱۵۴ از چاپ فعلی) قرار گرفته است.

آقای دکتر انصاری دلیل یادشده را درست ندانسته و معتقدند اشاره طوسی به اینکه شریف مرتضی الذخیره را با بحث «نظر» آغاز کرده است در واقع اشاره به «باب الکلام فی المعارف و النظر» نیست، بلکه ارجاع به بحث کوتاهی است که شریف مرتضی - مطابق با رسم برخی از متکلمان آن دوره که معمولاً در آغاز کتب کلامی خودشان به اختصار بحثی درباره «وجوب نظرو تفکر» می‌آورده‌اند - در آغاز الذخیره درباره «وجوب نظرو تفکر» بیان کرده بوده است، ولی بعدها توسط خود شریف مرتضی یا به خواست او از

نسخه ترکیبی الملخص و الذخیره حذف شده است و در نتیجه اکنون نشانی از آن بحث در نسخ الذخیره وجود ندارد.

این رأی دکتر انصاری البته می‌تواند قابل پذیرش باشد؛ یعنی اینکه مباحث نظریک بار در آغاز کتاب الذخیره به نحو مختصر مطرح شده باشد (و اشاره شیخ طوسی مبنی بر شروع الذخیره با بحث «نظر»، ناظر به همین بخش باشد) و یک بار هم به تفصیل در «باب معارف و نظر». همان‌گونه که شیخ طوسی نیز چنین کاری را در تمهید الاصول انجام داده؛ یعنی در آغاز این کتاب بحثی مختصر در باب «وجوب نظرو اندیشه» آورده و پس از آن در باب «معارف» به تفصیل، به همان مباحث پرداخته است. اشاره مجدد به کلام شیخ طوسی در تمهید الاصول (ص ۲) خالی از فایده نیست:

وأنا أذكر فصلاً مختصراً في أول الكتاب على ما جرت به العادة وعلى ما ذكره في الذخيرة والملخص وأذكر قبل الشروع في أن النظر أول واجب بيان حقيقة الواجب والفرق بينه وبين غيره من أقسام الأفعال ثم أبين أن النظر واجب وأبين بعده أنه أول واجب فرع على العلم بانه واجب وأذكر من ذلك جملاً يتنفع بها واطرک استيفائه الى انتهائنا الى الكلام في المعارف.

با این وصف لازمه پذیرش فرضیه یادشده آن است که قبول کنیم شیخ

طبق نظر آقای دکتر انصاری بخش‌های اولیه کتاب الذخیره که عمدتاً به ابواب توحید و عدل (و نیز بحثی درباره «نظر») مربوط می‌شده، از سوی شریف مرتضی تألیف شده بوده ولی پسان‌تر با جایگزینی الملخص (که مباحث توحید و عدل را به تفصیل دارا بوده)، آن بخش‌های نخستین الذخیره توسط شریف مرتضی یا به درخواست وی حذف شده است.



به گمانم احتمالاً شریف مرتضی مباحث توحید و عدل را با توجه به اینکه همزمان در حال تقریر مفصل همان مباحث در الملخص بوده، دیگر در آن مقطع در الذخیره مطرح نکرده بوده

طوسی تنها به نسخه اصلی الذخیره و تحریر نخستین آن دسترسی داشته است؛ یعنی همان نسخه ای که حاوی مباحثی فشرده در باب «نظر» و نیز «توحید و عدل» بوده است و از نسخه ترکیبی الملخص و الذخیره - به تعبیر دکتر انصاری - که خود شریف مرتضی تدارک دیده بوده و در آن مباحث فشرده مربوط به باب «نظر» و «توحید و عدل» حذف کرده بوده است، اطلاعی نداشته است یا به آن توجهی نکرده است. این امر با توجه به اینکه شیخ طوسی شاگرد خاص شریف مرتضی بوده است، اندکی بعید به نظر می رسد.

افزون بر این شاهد دیگری در دست است دال بر اینکه شروع املاء الذخیره با بحث نظرو مطالب مطرح در «باب الکلام فی المعارف و النظر» بوده است. چنان که در مقاله نیز خاطر نشان کردیم، سدیدالدین حمصی رازی در المنقذ من التقلید در یک موضع با عنوان ارجاع به «ابتدای الذخیره / اول الذخیره» به مطلبی اشاره کرده که هم اکنون در «باب الکلام فی المعارف و النظر» از الذخیره شریف مرتضی قابل ردیابی است. نص عبارت حمصی چنین است:

«وقد تحرز سیدنا المرتضی علم الهدی - رضي الله عنه - من إرادة النظر في أول الذخیره بأن قال: أول فعل مقصود يجب على المكلف الكامل العقل، وفي هذا تسليم وجوب إرادة النظر»^۱.

اگرچه عبارت «أول فعل مقصود يجب على المكلف الكامل العقل» اکنون عیناً در «باب الکلام فی المعارف و النظر» از کتاب الذخیره در صورت کنونی آن مشاهده نمی شود، اما مضمون آن با کلماتی بسیار نزدیک به همین عبارت در آن وارد شده است.^۲ عبارت موجود در «باب الکلام فی المعارف و النظر» از الذخیره بدین قرار است:

فان قيل فما الدليل على ان النظر في طريق معرفة الله عزوجل أول الواجبات؟ قيل: العبارة المجردة في هذا أن نقول: إن أول ما يجب من الأفعال المقصودة التي لا يعرى من كمل عقله منها النظر في طريق معرفة

الله تعالى، و قلنا: «ما يجب من الأفعال» احترازاً من وجوب التحرز من القبائح العقلية كالظلم و ما أشبهه، و شرطنا «القصد» احترازاً من إرادة النظر، لأنها غير مقصودة في نفسها، و هي تابعة للنظر»^۳.

چنان که ملاحظه شد به راحتی می توان عبارت «أول فعل مقصود يجب على المكلف الكامل العقل» در نقل قول حمصی را اشاره به «أول ما يجب من الأفعال المقصودة التي لا يعرى من كمل عقله منها» در کلام شریف مرتضی دانست و عبارت «وقد تحرز سیدنا المرتضی علم الهدی - رضي الله عنه - من إرادة النظر» در همان نقل قول را اشاره به قسمت «و شرطنا «القصد» احترازاً من إرادة النظر» در سخن سید تلقی کرد. بر این اساس می بینیم که گفتاورد حمصی از «أول الذخیره» مطابقت دارد با آنچه که در «باب الکلام فی المعارف و النظر» الذخیره آمده است و این حاکی از آن است که باب نامبرده در آغاز الذخیره واقع شده بوده، آن گونه که نظر ما بر آن است.

حال اگر بخواهیم از این فرضیه دست برداریم و اشاره حمصی را این بار نیز نه به مطلب موجود پیشگفته در «باب الکلام فی المعارف و النظر» الذخیره، بلکه به مطلبی بدانیم که احتمالاً در فصلی مختصر درباره «نظر» در آغاز الذخیره مطرح شده بوده و اکنون در نسخ در دسترس الذخیره به خواست مرتضی حذف شده است، آن گاه باید بپذیریم که حمصی هم مثل شیخ طوسی - طبق نظر دکتر انصاری - به نسخه غیر ترکیبی، یعنی تحریر نخستین الذخیره که حاوی ابوابی در باره نظر، توحید و عدل بوده - دسترسی داشته بوده است. این در حالی است که جناب دکتر انصاری خاطر نشان کرده اند «حمصی گویا نسخه ترکیبی یاد شده را تنها در اختیار داشته است».

اما دلیل دوم جناب آقای دکتر انصاری بر اینکه شروع الذخیره با مباحث توحید و عدل بوده، - چنان که گفتیم - ارجاعاتی است که در خلال الذخیره به این قبیل مباحث شده است. آن گونه که بنده در مقاله ام مواردش را بر شمرده ام، در الذخیره ارجاعاتی به مباحث مربوط به توحید و عدل مندرج در صدر این کتاب شده است که اکنون در الذخیره اثری از آنها نیست. به عقیده دکتر انصاری همین ارجاعات - که در بیشتر موارد علی القاعده باید به خود الذخیره باشد - نشان می دهد که این کتاب در آغاز و در تحریر نخستینش مشتمل بر ابوابی در توحید و عدل بوده است که البته در نسخه ترکیبی شریف مرتضی بعداً حذف شده است.

۳. این قسمت از الذخیره در چاپ فعلی آن به تصحیح آقای اشکوری در ص ۱۷۰ در قالب عبارتی

بس مغلوط و نامفهوم به شکل زیر آمده است:

«فان قيل: فما الدليل على أن النظر في طريق معرفة الله تعالى - المقصودة التي لا يعرى من كمل عقله منها - النظر في طريق معرفة الله تعالى. قلنا: ما يجب من الأفعال احترازاً من وجوب التحرز من القبائح العقلية كالظلم و ما أشبهه. و شرطنا القصد احترازاً من إرادة النظر، لأنها غير مقصودة في نفسها، و هي تابعة للنظر». به همین دلیل، عبارت مورد نظر در بالا، از روی نسخه کهن سنت پترزبورگ الذخیره (عکس ۱۲۴) نقل گردید که حاوی ضبط صحیح است.

۱. حمصی رازی، سدیدالدین؛ المنقذ من التقلید؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. می دانیم که نقل به مضمون عبارات و نظریک نویسنده، بخصوص در جایی که عقیده و کلام آن نویسنده در نوشته اش در قالب پرسش و پاسخ بیان شده باشد، امری مرسوم در میان عالمان بوده است. بنابراین اگرچه در بحث کنونی، ظاهر عبارت حمصی آنست که در حال نقل عبارات مرتضی به نحو مستقیم است، اما از آنجا که - چنان که گفتیم - نقل به مضمون عبارات و آراء یک نویسنده امری مرسوم و رایج بوده، این ظاهر مانع از آن نیست که عبارت حمصی را نتوانیم ناظر به مطلب و پرسش و پاسخی که در الذخیره آمده است بدانیم.

الذخيرة طبق فرضیه ما است - تا اواسط الذخيرة (شاید تا ابتدای «الكلام فی النبوات» در صفحه ۳۲۲)، اما به عقیده دکتر انصاری، اشاره شریف مرتضی و شیخ طوسی به مباحث مجمل در آغاز الذخيرة، در واقع به همان مباحث توحیدی و عدلی است که شریف مرتضی نخست آنها را در تحریر اولیه اش از الذخيرة آورده بوده، ولی بعداً در نسخه ترکیبی اش حذف کرده است. در اینجا باز جای این پرسش هست که چرا باید شریف مرتضی در پایان الذخيرة به مجمل بودن مطالبی اشاره کند که آنها را حذف کرده یا در صدد حذف آنها بوده است؟ می دانیم که قصد افزودن الملخص به الذخيرة زمانی صورت گرفته است که املاء الذخيرة هنوز تمام نشده بوده است. اکنون اگر حذف قسمت های مجمل نخستین الذخيرة در باب توحید و عدل و افزوده شدن الملخص به جای آنها پیش از پایان املاء الذخيرة صورت گرفته باشد، چرا باید شریف مرتضی در آخر الذخيرة اظهار نماید که بین اوائل و اواخر این کتاب از حیث اجمال و بسط مطالب تفاوت هست؟ سخن پایانی سید مرتضی در الذخيرة در باب اجمالی بودن مطالب آغازین این کتاب نمی تواند ناظر به آن قسمت محذوف در باب توحید و عدل بوده باشد، چون منطقی نیست درباره قسمتی که حذف شده و الملخص جایگزین آن شده - یا دست کم بنای چنین کاری بوده - است، چنان و صافی در پایان کتاب گفته شود. بله اگر افزوده شدن الملخص و حذف قسمت های اولیه الذخيرة پس از اتمام املاء الذخيرة باشد، آن گاه می توان این سخن پایانی مرتضی در الذخيرة را ناظر به آن بخش مجمل محذوف در باب توحید و عدل الذخيرة دانست. در این صورت دیگر نمی توانیم تحریر در دسترس کنونی از الذخيرة را همان نسخه ترکیبی بدانیم؛ یعنی نسخه ای که - به نظر دکتر انصاری - الملخص به آغاز الذخيرة افزوده شده و ابواب توحید و عدل آن حذف گردیده است؛ زیرا مجمل بودن نیمه نخست الذخيرة ناظر به مباحث توحید و عدل الذخيرة بوده که در نسخه ترکیبی - بنا به گفته دکتر انصاری - حذف شده بوده است. این در حالی است که به وضوح، نسخ موجود از الذخيرة - از جمله نسخه کهن سنت پترزبورگ از این کتاب که تاریخ کتابتش (۴۷۲) به دوازده سال پس از وفات شیخ طوسی (۴۶۰ م) بازمی گردد - نسخه هائی ترکیبی از الذخيرة اند؛ یعنی نسخی هستند که فاقد بخش های نظر، توحید و عدل اند و به جای آنها مباحث مطرح در جزء چهارم الملخص درج شده است. در هر حال مشکل است که از یکسو نسخه های موجود از الذخيرة را نسخ ترکیبی لحاظ کنیم و از سوی دیگر سخن پایانی مرتضی در الذخيرة مبنی بر مجمل بودن مباحث آغازین آن را ناظر به مباحث محذوف بدانیم.

به گمان راقم این سطور تنها در صورتی می توان سخن پایانی سید مرتضی را ناظر به مباحث توحید و عدلی مجمل محذوف دانست که بپذیریم پس از اتمام املاء الذخيرة، نسخه ای از الذخيرة در دست بوده

اما راقم این سطور را گمان بر آن است که ارجاعات مورد گفت و گو به مباحث توحیدی و عدلی، مربوط به مباحث توحید و عدل مطرح شده در الملخص است، آن گونه که در مقاله ام - به قراری که گذشت - به پیجویی آن موارد در الملخص پرداختم و نشانی آنها را در این کتاب به دست داده ام.^۴ به عقیده بنده تعبیر شریف مرتضی در الذخيرة که در چنین مواردی گفته است این مباحث را در صدر این کتاب آوردم، ناظر به مباحث بیان شده در الملخص است. در واقع از آنجا که وی الملخص و الذخيرة را یک اثر مجموعی می پنداشته است، اشکالی نداشته که در الذخيرة بگوید فلان مبحث را در آغاز این کتاب ذکر کرده است، در حالی که آن موارد نه در خود الذخيرة، بلکه در الملخص که به الذخيرة اضافه شده بوده است موجود است. در حقیقت آن گونه که در مقاله اشاره کردم، تقریباً از نیمه الذخيرة به بعد که با توجه به انصراف مرتضی از ادامه املاء الملخص آن با بسط بیشتری دنبال شده است، قصد شریف مرتضی اضافه کردن الملخص به الذخيرة بوده است. در این صورت اگر آنچنان که دکتر انصاری معتقدند، شریف مرتضی در صدد حذف آن قسمت های نخستین مربوط به توحید و عدل و جایگزینی الملخص به جای آنها بوده، دیگر ارجاع به آن موارد محذوف در نسخه ترکیبی معنا و مفهومی نخواهد داشت؛ یعنی منطقی به نظر نمی رسد که در نسخه ترکیبی، شریف مرتضی ارجاع به مباحثی در توحید و عدل بدهد که عملاً از آن نسخه ترکیبی خود از الذخيرة حذف کرده یا در پی حذف آنها بوده است.

مشکل یاد شده در مورد دیگری هم رخ می نماید. چنان که گفتیم در آخر الذخيرة، شریف مرتضی تصریح می کند که بین ابتدا و انتهای مباحث مطرح در این کتاب از حیث اختصار و بسط مطالب تفاوت هست؛ یعنی تقریباً در نیمه نخست کتاب، مطالب بگونه مجمل بیان شده؛ - زیرا بنا بوده که تفصیل آنها در الملخص بیاید، ولی پس از انصراف سید از ادامه املاء الملخص، مطالب مندرج در نیمه دوم کتاب، با بسط بیشتری ادامه پیدا کرده است. شیخ طوسی هم در تمهید الاصول - آن گونه که در مقاله نقل کردیم - تصریح می کند که نیمه نخست الذخيرة مجمل است و محتاج شرح و بسط. به گمان راقم این سطور بر اساس شواهدی که در متن مقاله ارائه کردم، مباحث آغازین مجمل مورد اشاره شریف مرتضی در پایان الذخيرة، هم اکنون در الذخيرة موجود است و در واقع عبارت است از مباحث مندرج از «باب الکلام فی المعارف و النظر» در صفحه ۱۵۴ - که ابتدای اصلی

۴. گفتنی است که آقای دکتر انصاری در همین یادداشت منقول خودشان پذیرفته اند که درباره ای از این ارجاعات، ارجاع به مباحث خلاصه وار ابتدای الذخيرة نمی توانسته باشد، بلکه آنها اشاره به مباحث توحیدی و عدلی موجود در الملخص بوده است. عبارت ایشان چنین است: «بدین ترتیب می بینیم که در مطاوی کتاب الذخيرة هر جا به مباحث قبلی می خواهد ارجاع دهد، آنچه مد نظر او بوده، ظاهراً دست کم در مواردی، نه بخش های آغازین کتاب الذخيرة که اصولاً منتهی خلاصه مانند بوده، بلکه در واقع متن الملخص بوده است، چرا که آن را در واقع بخشی از کتاب ترکیبی الملخص - الذخيرة فرض می کرده است.»

و این بخش بعدها طبق خواست وی به نسخه‌ها افزوده شده و همان نُسخ نیز به دست ما رسیده است). این در حالی است که طبق نظر دکتر انصاری، از نُسخ فعلی الذخیره - [از جمله نسخه کهن سن پترزبورگ مورخ ۴۷۲ هجری قمری] - گذشته از فصول و ابواب مربوط به توحید و برخی مباحث عدل، سه جزء الملخص که قرار بوده جایگزین مباحث مختصر توحیدی و عدلی الذخیره شود و نیز بخش‌هایی از جزء چهارم الملخص سقط شده است. (نسخ در دسترس الذخیره همگی فاقد ابواب توحید و برخی از مباحث عدل است، افزون بر اینکه واجد بیشتر فصول جزء چهارم الملخص است. بنابراین این نسخ نمی‌توانسته نسخه‌هایی از تحریر نخستین الذخیره باشد که واجد ابواب توحیدی و عدلی بوده و هنوز چیزی از الملخص هم بدان‌ها اضافه نشده بوده است. بنابراین نسخه‌های الذخیره هم باید نسخه‌هایی ترکیبی از الملخص و الذخیره باشند). افزون بر این عبارت «و اذا جمع بین ما خرج من کتاب الملخص و جعل ما انتهى إليه كانه لهذا الكتاب» که شریف مرتضی در بخش پایانی الذخیره گفته است «و اذا جمع بین ما خرج من کتاب الملخص و جعل ما انتهى إليه كانه لهذا الكتاب وجد بذلك الكلام في جميع ابواب الاصول مستوفى مستقصى»، دلالت دارد بر اینکه به این نسخه الذخیره هنوز الملخص اضافه نشده بوده است. عبارت یادشده از مرتضی مبنی بر اینکه اگر آنچه در الملخص آمده به همراه قسمت نهایی آن که در حکم جزئی از این کتاب (الذخیره) است به الذخیره افزوده شود، آن‌گاه مجموعه کاملی از ابواب کلامی حاصل می‌شود، در صورتی معنا دارد که نسخه شریف مرتضی از الذخیره واجد الملخص نباشد؛ چرا که اگر الملخص به این نسخه افزوده شده بود، دیگر معنا نداشت شریف مرتضی بگوید در صورتی که الملخص در کنار الذخیره قرار داده شود، مجموعه کاملی از ابواب کلامی شکل خواهد گرفت.

۳. صرفاً به عنوان یک مؤید - و نه دلیل قطعی - می‌توان گفت که اساساً الحاق الملخص به الذخیره در صورتی که الذخیره خودش دارای ابواب کاملی بوده و بخش‌های توحید و عدل را نیز شامل می‌شده است، نباید وجه خاصی داشته باشد. این الحاق ظاهراً در صورتی وجیه است که هر دو کتاب دارای نواقصی باشد که با الحاق آن دو به یکدیگر نقصان آنها برطرف گردد. آقای دکتر انصاری بر آنند که «شریف مرتضی به دلیل تعلق خاطری که به کتاب الملخص داشته، لازم دیده بوده نقص کتاب را از طریق تغییر برنامه کتاب الذخیره جبران کند»، اما به نظر من صرف «تعلق خاطر به الملخص» نمی‌توانسته به تنهایی دلیل الحاق الذخیره به الملخص باشد. در حقیقت اگر الذخیره دارای ابواب توحید و عدل می‌بود و کتاب کاملی به حساب می‌آمد، از برای شریف مرتضی ظاهراً دلیلی و انگیزه‌ای وجود نداشته که الملخص را به الذخیره ملحق سازد. خصوصاً اگر این الحاق - طبق نظر جناب آقای

که در آن مباحث مجمل مربوط به نظر، توحید و عدل همچنان وجود داشته و هنوز الملخص بدان افزوده نشده بوده است و سخن یادشده از علم الهدی هم با توجه به همین نسخه ابراز شده است. نیز همین نسخه در دسترس شیخ طوسی بوده که گفته نیمه نخست الذخیره؛ یعنی همان مباحث مجمل مربوط به «نظر»، توحید و عدل مختصر و نیازمند شرح است. همچنین با توجه به این نسخه غیر ترکیبی از الذخیره است که شیخ طوسی آورده الذخیره با بحث «نظر» شروع شده است. نسخه یادشده احتمالاً تا قرن شش و هفت باقی مانده و بدست حتمی رازی رسیده و بر اساس آن او نیز بیان کرده که بحث «نظر» در آغاز الذخیره مطرح شده است. در این میان یک نسخه ترکیبی هم پس از اتمام املاء الذخیره توسط شریف مرتضی یا شاگردان او فراهم آمده که در آن - طبق نظر آقای دکتر انصاری - مباحث مجمل نظر، توحید و عدل حذف شده و به جای آنها چهار جزء الملخص قرار گرفته و به عقیده بنده، به احتمال قوی تر، فقط جزء چهارم الملخص که شریف مرتضی در آخر الملخص حکم به الحاق آن جزء به ابتدای الذخیره کرده است، به آغاز الذخیره (بی آنکه چیزی از ابتدای کتاب حذف گردیده باشد) افزوده شده است. این در حالی است که از آن نسخه غیر ترکیبی هیچ نشانی نیست و همه نسخ موجود از الذخیره همگی ترکیبی و فاقد بخش توحید و عدل اند.

۲. به عقیده جناب دکتر انصاری، نسخه مجلس از الملخص از روی نسخه‌ای نوشته شده که به تعبیر ایشان نسخه ترکیبی؛ یعنی ترکیبی از الملخص و الذخیره بوده است. لازمه نظرایشان آن است که از نسخه مجلس، کل کتاب الذخیره - به جز قسمتهایی از جزء چهارم الملخص که بنا بوده به الذخیره اضافه شود و در این نسخه آمده - افتاده باشد.

اما به گمان راقم این سطور، نسخه مادر الملخص که نسخه مجلس از روی آن نوشته شده، تنها شامل سه جزء الملخص به همراه تمام جزء چهارم الملخص که می‌بایست به آغاز الذخیره افزوده شود بوده است و بر این اساس، قسمت افتاده از نسخه کنونی مجلس فقط به اندازه مطالبی بوده که در جزء چهارم الملخص املاء شده و اکنون در نسخه مجلس وجود ندارد (عناوین این فصول را در مقاله ام در قالب جدولی مشخص کرده‌ام).

همچنین به نظر می‌رسد از نسخ الذخیره فقط دو فصل «فصل فی افساد قولهم بالكسب» و «فصل فی ذکر ما یلزمهم علی القول بالمخلوق» افتاده است؛ یعنی دو فصلی که ضمن جزء چهارم الملخص مندرج بوده و به خواست شریف مرتضی باید به الذخیره اضافه می‌شده، اما در دست‌نویس‌های فعلی این کتاب وجود ندارند. (چنان‌که گفتیم نسخه اصلی الذخیره که در دست شریف مرتضی بوده، شامل بخش الحاقی الملخص به این کتاب - یعنی جزء چهارم الملخص - نبوده

دکتر انصاری - مستلزم اسقاط بخش هایی از الذخيرة (يعنى همان مباحث مجمل در باب توحيد و عدل) که پيش تر شريف مرتضى املاء کرده بوده است باشد. می دانيم که عالمان گذشته بر حفظ نگارش های خود تأکید می ورزیدند و چه بسا در همان مختصرات مطالبی را بیان می کرده اند که در نوشتارهای مفصل خود بدان اشاره ای نکرده اند. بنابراین اينکه شريف مرتضى اقدام به حذف مباحثی کرده باشد که خود پيش تر بيان کرده است - آن هم مباحثی که املاء کرده بوده و طبعاً نسخی بر اساس آن پراکنده شده بوده است - تا حدودی بعيد به نظر می رسد. از اين گذشته حذف برخی از مباحث از یک اثر اتفاق و تغيير بسیار مهمی است که اگر در الذخيرة رخ داده بود، هر آينه مؤلف (يعنى شريف مرتضى) نسبت به آن تذکار می داد، در حالی که در هيچ کجا اشاره ای به حذف برخی از ابواب اين کتاب نشده است. به هر حال شريف مرتضى می توانسته بی آنکه ابواب پيش تر املاء شده در باب توحيد و عدل الذخيرة را حذف کند، به املاء مبسوط تر مباحث بعدی الذخيرة بپردازد و خوانندگان را برای تفصيل مطالب مربوط به توحيد و عدل به الملخص ارجاع دهد؛ کاری که نمونه های بسياری در میان آثار قدما دارد.

۴. برخلاف نظر جناب دکتر انصاری که معتقدند «اظهارات کتاب نسخه مجلس (یا مادر آن نسخه) را نباید کلام خود شريف مرتضى فرض کرد»، به نظر می رسد به احتمال قوی تقسيم بندی و تجزیه کتاب الملخص - با واسطه یا بی واسطه - از سوی خود شريف مرتضى انجام گرفته است. در واقع ظاهراً هيچ دليل قاطعی وجود ندارد مبنی بر اينکه اظهارات پایانی هر جزء الملخص، کلام خود مرتضى (یا دست کم موافق با نظر مرتضى) نباشد. اگر اين اظهارات کلام خود مرتضى هم نباشد، بلکه توسط کاتبی موافق با نظر خود شريف مرتضى نوشته شده باشد، باز در اصل مطلب و امکان استناد و استدلال به آن تفاوتی نخواهد داشت.

۳. نتیجه

به نظر می رسد در خصوص مسئله نسبت دو کتاب الذخيرة و الملخص با یکدیگر و مراحل تأليف آنها هم فرضیه استاد ارجمند جناب آقای دکتر انصاری قابل طرح باشد و هم فرضیه راقم اين سطور. در واقع چنان که گذشت هر دو نظر هم مؤيدات و شواهدی دارد و هم با اشکالاتی روبرو است. دست کم تا زمانی که به ادله و شواهد بیشتری در اين باب دست پیدا نکنيم، اظهار نظر قطعی در اين مسئله نمی توان کرد، اما اينکه کدام نظر قابل پذيرش تر و به واقع نزدیک تر است، بستگی به داوری دیده وران و خوانندگان ارجمند در خصوص ادله و شواهد ارائه شده در اين نوشتار به سود یا زیان هریک از آن دو نظر دارد. والله اعلم بالصواب.

